

### متن پرسش

سلام علیکم: ۲۸۸۰۱ اشاره کردید که باید متفکران غربی که متوجه نقصیه های فرهنگی خود هستند را از تمدن غربی جدا کرد. منظور از این متفکران، امثال هایدگر و کربن هستند که به ضعف های مدرنیته و خلاها و ضعف و انحرافات تمدن مدرن پرداختند یا تمام متفکران غرب؟ چون که خود امثال کانت و دکارت پدران مدرنیته و بنیان گذاران تفکر منقطع از عالم قدس و معرفت وحیانی و نگرش توحیدی به عالم هستند و نظری به عقل قدسی ندارند و در کتاب سلوک ذیل شخصیت امام هم گفتید که در فضای تفکر کانتی و دکارتی تقابل با اندیشه حضرت امام قطعی و محتوم است.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تفکر کانت و دکارت در مقایسه با فلسفه‌ی اسلامی مسلم ضعف‌هایی دارد در آن حدّ که بعضاً کار را به شکاکیت می‌کشاند و این در نسبت با تفکری است که ما در حوزه‌ی اندیشه‌ورزی خود دنبال می‌کنیم. ولی اگر در جایگاه تاریخی خودشان و دغدغه‌هایی که نسبت به مسائل خودشان داشتند به تفکر آن‌ها بنگریم، به نظر بنده متفکران تاریخ خود بوده‌اند. زیرا آن‌ها متوجه بودند در تاریخی که شروع شده یعنی تاریخ مدرن، اگر به کمک بشر نیابند بشر بیش از پیش گرفتار خواهد شد و امروز اگر غرب از جهتی قوامی بس مختصر در بین مردم دارد به جهت متفکران آن‌ها می‌باشد که از طریق فلسفه و زمان متذکر آسیب‌های جامعه‌ی خود شدند و دقت مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» در دنبال کردن رمان‌ها به جهت آن است که متوجه شوند اندیشه‌ورزان آن دیار جهت رفع مشکلات جهان مدرن چه راه‌کارهایی را ابداع کرده‌اند و این در حالی است که ما نیز از تاریخ جهان مدرن بیرون نیستیم. به نظر بنده صحبت آقای دکتر حمیدطالبزاده از اساتید فلسفه‌ی اسلامی و آشنا به فلسفه‌ی غرب سخن خوبی است که معتقد است اگر بخواهیم فلسفه‌ی اسلامی را به صورتی زنده و فعال در این زمانه مطرح کنیم، لازم است که فلسفه‌ی غرب را نیز خوب بدانیم. موفق باشید